

گفتم ای صاحب خانه از خدای تعالی و از تو عذری خواهم و الله که
جز ندانستم که حال صیبت و کجایی ایتم از آنچه کردم بخدای تعالی
بازگشتم هر چند گفتم بمن هیچ التفات نکرد باز گشتم و پیش محضند
رحیم و مقرر را باز گفتم گفت این سر را پوشیده دارد و الا بفرمای
کشند را کردن زنده و چون بعضی از احوال ویرا دانستی بدانکه
شیخه اما میده رو را در وضعیت اثبات کند یکی غیبت قهری یعنی
کوتاه تر و آن از زمان ولادت است تا زمان انقطاع سعادت
و دیگری غیبت طولی یعنی در آن تر و آن از زمان انقطاع سعادت
است تا آن زمان که خدای تعالی ظهور و برآمدن رسالت
و در غیبت قهری ویرا سیران اثبات می کند یکی بعد از دیگری
که واسطه بودند میان وی و سایر خلایق که حاجات و سوالات
ایشان را بوی رفع می کرده اند و جواب آن می آورده و آن
سفرات بر شخصی علی بن محمد نام ختم شده است و وفات وی در
سنه ۳۰ و عترت و ثلثا بوده است و از وی آرد که پیش از وفات
خود بخشش روز توفیق بیرون آورد که محمد بن الحسن العسکری
الله عنهما نوشته است و نسخه اش اینست بسم الله الرحمن الرحیم
یا علی بن محمد اعظم الله اجرا و انک نیک فالک بیت ما بیک و بین
سنه ایام فاجع او که ولا توفی الی احد یقوم مفاک بعد وفات
فقد وقعت الغیبه الثالثه فلما ظهر آل بعد از آن الله تعالی و ذلک

بعد طول

بعد طول الامه و قسوة القلب و امتلاء الارض و سبانی شیعی
من یدعی المشاهده الا فی ادع المشاهده قبل خروج السفیانی
والصیحه فهو کتاب معتبر و لاجل و لاقوة الا بالله العلی العظیم
چون روز ششم رسید فوت شد و بهیچ کس وصیت سعادت
نکرد بعد از آن وقت غیبت طولی در آمد ایما شاء الله تعالی
و این طایفه را در مدت غیبت قهری از وی حکایات بسیار
وازان جمله است که یکی از امامی نواجی جز را که اسماعیل
نام داشت ربی بر آنکه سید الطاهر و بعد از آن علاج آن
عاجز آمدند و گفتند که علاج آن جز بقطع آن ممکن نیست و در قطع
آن حضرت زبراکه بقرق الحلی که از قطع آن حیات منقطع کرد
نزدیکت اسماعیل گفته است که چون از اهلها ما یوس شد غیبت
مشهد شریف کسریز دای کردم بعد از زیارت آن رضی الله عنهم
بسر داب در آوردم و از خدای تعالی استعانت خواستم و از آن
استمداد نمودم و بعضی از شب قیام کردم و چند روز را بجا بسر
بردم یک روز بکار در جلد رستم و غسل کردم و جامه پاک پوشیدم
و بمشهد شریف مستوجه شدم دیدم که از آن جانب چهار سوار
پیدا شدند خمیصر تا بسته یکی نزه در دست داشت و یکی در
میان ایشان فریج دو بر کمان بردم که کرا از شرفای مشهدند
چون بن رسیدند سلام گفتند جواب دادم آن نیز در بر طرف